

کودکان کوره پزخانه محمود آباد



20 مهر 1388

کمیته گزارشگران حقوق بشر - سعید جلالی فر

از مترو شهر ری که پیاده می شوم سوار تاکسی دربیست شده و از جاده امام رضا می گذرم و به محمود آباد شهر ری رسیده و باز آن را هم رد می کنم و کوره پزخانه های محمود آباد را مقابل چشمانم می بینم.

کوره پزخانه های محمود آباد، جایی در حاشیه تهران است که برای ساختن برج های بلند تهران آجر می سازند. بافت کویری جنوب تهران، منطقه مناسب و مساعدی را برای آجریزی مهیا کرده است. از دور که به کوره ها نزدیک می شوم، از میان دشت های بی آب و علف، برج های کوره خودی نشان می دهند. برج های آجری که در گذشته برای تامین اکسیژن کوره ها استفاده می شدند و اینک تنها به کار فیلم های پرسوز و گداز و جایزه بگیر می آیند.

کوره ها اینجا هرکدام اسمی دارند. کوره عاطف، کوره متین، و کوره... در هر کوره 10 الی 15 خانوار زندگی می کنند. محل زندگی کوچه ای ست به عرض 2 متر که در هر دو طرف کوچه اتاق های 6 تا 12 متری قرار دارند و جلوی درب هر کدام از اتاق ها، پیت نفت و بند لباس و لانه مرغ و خروس و دمپایی های کوچک و بزرگ و رنگارنگ را می شود دید. هر اتاق خانواری 6 و 7 نفره را در خود جای می دهد. اغلب ساکنان کوره ها، مهاجران افغانی هستند که به صورت غیر مجاز و به این امید که ایران شانس بهتری برای زندگی در اختیار آن ها قرار می دهد به اینجا آمده اند.

تمام اعضای خانواده از کودک 5 ساله تا پیرمرد و پیرزن 70 ساله کار می کنند. تابستان ها زیر آفتاب سوزان کویر آجر می پزند و زمستان ها دامداری می کنند اما کار مشترک تمام فصول بازیافت است که در کنار کوره ها قرار دارد. محوطه وسیعی از زباله ها و کثافات و آلونکی که در گوشه همین محوطه برای زندگی در نظر گرفته شده است. مکانی که بوی تند و زننده آن از چندین متر آن طرف تر به مشام می رسد و هجوم حشرات مختلف استقبالی نه چندان خوشایند را برای مهمان ناخوانده رقم می زند. امکانات بهداشتی بسیار محدود است. هر کوره یک توالت دارد و هر 2 تا 3 کوره یک حمام. آب حمام را منبعی نامین می کند که روی سقف تعبیه شده و جلبک دور تا دور آن را فرا گرفته است. آب چرک و کدری از آن جاری است. آب آشامیدنی نیز مملو از باکتری ها و انگل هایی ست که موجب بروز انواع و اقسام بیماری ها می شوند. ساکنین، اکثرا دارای انگل هایی در معده و روده هستند. تعداد زیادی از آن ها از ضعف بینایی و شنوایی رنج می برند. علاوه بر این، وجود قارچ ها و زخم های ناسور در دست تا آرنج، پا و گردن، نگاه مشاهده گر را ناخود آگاه به خود جلب می کند.

هر خانوار بین 260 تا 320 هزار تومان درآمد دارد که حاصل کار تمام اعضای خانواده است. در کوره ها جایی برای هر آجر 6 تومان دستمزد می گیرند و آخر هر ماه 50 تا 80 هزار تومان اجاره آلونک محل

زندگی شان را می دهند. صاحب کوره ها که به اصطلاح به وی ارباب می گویند صاحب خانه ها نیز هست. البته همه این درآمدها و توانایی پرداخت اجاره آلونک ها منوط به این است که کار در کوره ها وجود داشته باشد و سفارش دهندگان آجر هم خواستار باشند که با توجه به رکود بازار مسکن در یک سال اخیر کار آجری نیز به حالت معلق در آمده است و کوره ها انبارهایی شده اند پر از آجر.

اما در این بین کودکان وضعیتی وخیم تر از دیگران دارند. چرا که آن ها در سنین تفریح و کنجکاو، مشغول لگد کردن خشت هستند و به واسطه جسم نحیف و رنجورشان مستعد پذیرش اقسام بیماری ها، بیماری های جسمی و روحی که هر کدام به نوبه خود برای کودک و خانواده او ددرسره های فراوانی ایجاد می کنند.

به تازگی، این کودکان محروم از تحصیل را وزارت کشور افغانستان دریافته و به تاسیس کمپ هایی همت گمارده که با مطالبه هشتاد هزار تومان، کودکان فاقد کارت را آموزش می دهد!!!



اما از سوی دیگر، در حالی که حمایت های مادی و معنوی دولت شامل حال گروه ها و سازمان های خیریه ای می شود که با رویکرد خیریه ای قصد فعالیت در کوره ها را دارند تا مردمی که روزگار آن ها را به حاشیه پرتاب کرده است لگد کوب نیز بشوند، سازمان های مردم نهادی که در تلاش توانمند نمودن این فشر و ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی رایگان به کودکان هستند همواره با مانع رو به رو می شوند.

این است سرگذشت مردم کوره پزخانه محمود آباد، وصف حال مردمی که زنده به گور شده اند و کشان کشان خود را به حیات وصل کرده اند. معدود کسانی آن ها را به یاد دارند. آن ها حاشیه نشینان تهران بزرگ با برج های سربرافراشته اند که نه از حقوق اولیه انسانی خود نصیب برده اند و نه مفهومی به نام حقوق شهروندی را می شناسند.



کمیته گزارشگران حقوق بشر
Committee of Human Rights Reporters